

آینه

یادداشت: « اختلاف ما با آمریکا برسر چیست؟»

صادق زیباکلام

۱۶ سال پیش هم در چنین روزهایی وقتی که خانم کربستین امانپور از طرف CNN در برابر آقای خاتمی قرار گرفت که درست در آغاز ریاست‌جمهوری‌اش بود، نخستین و شاید بشود گفت تنها پرسش مهمش این بود که آقای خاتمی «با آمریکا چه کار می‌خواهید بکنید؟» ۱۶سال بعد و در آغاز ریاست‌جمهوری آقای روحانی، همه پرسش‌های خبرنگاران خارجی از او آن بود که «با آمریکا چه کار می‌خواهید بکنید؟» درواقع مساله هسته‌ای هم عملاً گرخورده به مساله آمریکاست به بیان ساده‌تر، بدون برداشتمدن گامی در راستای حل مساله ما با آمریکا، مشکل بتوان تصور کرد که فرجی در باب شکسته‌شدن بن‌بست مذاکرات با ۵-۱ بتواند برداشته شود. جالب است که پالسخ‌های آقای روحانی هم همان پاسخ‌های ۱۶سال پیش آقای خاتمی بود. اینکه «آمریکا باید حسن‌نیت خودش را ابتدا نشان بدهد؛» «آمریکایی‌ها باید با یک زبان با ما صحبت کنند...»

در شرایط فکری و ذهنی که در ایران علیه آمریکا وجود دارد، امکان هیچ مذاکره و گفت‌وگوی میان ما و آمریکا وجود ندارد و همان‌طور که گفته شد، اگر هم به‌فرض مذاکره و گفت‌وگوی انجام بگیرد، صرف‌نظر از آنکه نتیجه آن چه باشد، ما یکسره به‌عنوان، «سازش»، «تسلیم»، «کوتاه‌امدن»... و... با آن مخالفت خواهیم کرد. اگر دشمنی ما با آمریکا بواسطه آن است که ما می‌خواهیم در عرصه بین‌المللی مستقل عمل کنیم، اما آمریکایی‌ها به ما می‌گویند که نه نمی‌شود و باید در عرصه بین‌الملل تابع ما باشیم، عملاً هیچ‌وقت میان ما با آمریکایی‌ها تفاهمی نمی‌تواند به‌وجود بیاید؛ بنابراین مقدم بر اینکه ما با آمریکا بنشینیم و مذاکره کنیم، باید سالی را که ۳۴سال است پاسخ آن ارفاض گرفت‌هایم برای نخستین‌بار برای خودمان مطرح کنیم که به‌راستی «علت دشمنی ما با آمریکا بر سر چیست؟» کمترین دلیل من برای اهمیت طرح این پرسش آن است که اگر نگفته باشم که همه آنچه را ما دربارہ آمریکا ادعا می‌کنیم و برای خودمان ساخته و پرداخته‌ایم، لافال پخش عمدی‌ای از آنها واقعیت ندارند و معلول ذهن ما است، این ذهنیت دلیل کافی برای توجیه ضرورت با علت دشمنی‌مان با آمریکانست.



یادداشت: «کاخ‌سفید تکلیف خود را مشخص کند؛ حسن هانی‌زاده

مقامات آمریکایی طی روزهای اخیر درقبال ایران و برنامه‌های هسته‌ای موضوع دوگانه‌ای در پیش گرفت‌اند که این مساله دورنمای هر گونه گفت‌وگو و مذاکره با این کشور را با مشکل مواجه می‌کند. تأکید گامپوینگ‌ها مقامات کاخ‌سفید به‌ازسرگیری گفت‌وگوها با ایران و اعلام آمادگی در عین تکرار ادعاها و همزمان با پیشبرد طرح تحریم‌ها علیه ایران راه به جایی نمی‌برد مگر اینکه اولی‌ها تکلیف خود را با کنگره این کشور و همچنین مطالبات مقامات صهیونیستی یکسره کند و پس از آن گام‌های عملی در رابطه با ایران برسد. در موضوع لغو تحریم‌های مهم و تأثیرگذار را در دستور کار خود قرار دهد. این نخستین نشانه آمادگی جدی آمریکا برای گفت‌وگو با ایران است که باید از سوی آنها برداشته شود و نه ایران؛ چراکه ایران تاکنون در جریان مذاکرات با گروه «۱۵+۱» آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با همکاری‌های گسترده خود، حسن‌نیت خود را نشان داده است، لذا این‌بار آمریکاست که باید گام‌های عملی به سمت ایران بردارد.

اعتراض

یادداشت: « یاد بان آدم صحبت شب‌ها که با نوشین لیان»؛ سیدابوالحسن مختاباد

امسال چهارمین سالی است که مراسم معرفی پنج روزنامه‌نگار برتر سال از سوی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران برگزار نمی‌شود. ۱۴مرداد چهارسال قبل، با دستور دادستان وقت در انجمن صنفی روزنامه‌نگاران پلمب شد دستوراً که هیچ توجیه قانونی نداشت... اکنون چهارسالی است که آن سبو بشکسته و آن پیمانه ریخته است. اما با روی کارآمن دولت آقای روحانی و امیدواری‌هایی که او ایجاد کرده است، به نظر می‌رسد فضایی فراهم شده که قفل چندساله انجمن با کلید تدبیر باز شود و انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران بتواند همانند گذشته و البته با قوت و قدرتی افزون‌تر به برگزاری اینگونه مراسم‌ها همت ورزد.

اطلاعات

یادداشت: «نخبگان و دولت جدید»؛ محمود اسعدی

کمر دولتی است که خود را بی‌نیاز از نخبگان بداند یا در شعارها و رفتارهایش از لزوم بهر‌وری از آنان‌نگوید حتی اگر بواقع اعتقادی به ضرورت استفاده از نخبگان نداشته باشد. اما چگونه است مدیران و مسوولان از این سرمایه انسانی که عصاره دانش و تجربه و معرفتند به‌سادگی می‌گذرند و در مسیری مواقی می‌پندارند و چون نخبگان بیش از آنکه متفکر نداشته‌ باشند مشکل‌آفرین است؟ ... روشن است همه‌رای با نخبگان مثل هر کار علمی دیگر ویژگی‌ها و شرایط خاص خود را می‌طلبد و بیش از هر چیزی «اعتماد» و «وصاقت» است که به جلب و جذب نخبگان کمک می‌کند و بعد، به‌صعصر و تحمل آرای مخالف و بعضاً متضاد و البته قدرت تحلیل و ارزیابی و مدیریت کارا و نه به‌اصطلاح اتاق‌های فکر در برخی نهادهای که عده‌ای جمع شوند و قیوه بخورند و به‌همدی‌رزل بزنند تا نباید رشع‌های از تفکر در ذهن بیایند! اگر هم جدی از جلب دولت باشد نیروهای زیادی علم و تجربه خلاق خود را در اختیار مدیران می‌گذارند چراکه همه سرشتیان یک کشتی و هدف نیز مشترک و متعالی است.

هنر

کیهان کلهر در گفت‌و‌گو با«شرق»:

باغ هست، باغبان نیست



عکس: عباس کوشی، شرق

به موسیقی پرداخت و در ۱۳سالگی با رکنستر رادیو و تلویزیون کرمانشاه شروع به همکاری کرد. کلهر مدتی کوتاه با گروه شیدا در مرکز هنری «چاووش» همکاری بود. در ۱۷سالگی مقیم ایتالیا شد و سپس به نیت ادامه تحصیل راهی کانادا شد و در رشته آهنگسازی از دانشگاه کارلتون اتاوا فارغ‌التحصیل شد. وی مدت‌ها عضو گروه «دستان» بود و در کنسرت‌های این گروه، به همراه شهرام ناظری، به نوازندگی و تنظیم پرداخت. از میان این آثار می‌توان به «سفر به دیگر سوا» و دو اثر دیگر که در ایران انتشار نیافته‌اند اشاره کرد. پس از جدایی از گروه دستان و آغاز فعالیت‌های مستقل با موسیقیدانان خارجی، با همکاری استادان موسیقی سنتی ایران- محمدرضا شجریان و حسین علیزاده- آثاری را پدید آورد که شامل شش آلبوم زمستان است. بی‌تو به سر نمی‌شود، فریاد، ساز خاموش، شب، سکوت، کویر و سرود مهر می‌شوند. نوای کمانچه کیهان کلهر در موسیقی متن فیلم «جوانی بدون جوانی» ساخته فرانسیس فورد کاپولا از جمله آثار به‌یادماندنی اوست. گفت‌وویی که در ادامه می‌خوانید، بخشی از مصاحبه‌ای مفصل با این نوازنده است که تابستان ۲۰۱۲ در لندن انجام شده و اختصاصاً در اختیار «شرق» قرار گرفته است.

باده و باده‌نوازی است. تمام احوالات از شیوه آموزش سنتی گرفته تا شیوه تدریس، حاکی از آن است که هدف این بوده خودد فرد دهنر زیور نباید در تقبیر مدیریت‌ها حمله کند مدیران لایق ایفا شوند. نظام دانشگاهی نیازمند تعامل و اعتدال است. سوال اصلی وزیر باید این باشد که «دانشگاه‌ها باید چگونه اداره شوند. این سوال در مقابل سوال «چه کسی باید مدیریت کند»، قرار دارد. برای پاسخ به سوال اول باید ضوابط مدیریت دانشگاه‌ها و ضوابط ارتقای اعضای هیات علمی و پذیرش استاد دانشجو اصلاح شود. تربیت نهاید نمودارنیک تعریف شود، به‌طوری که انتخاب مدیران دانشگاه، دانشکده‌ها و گروه‌ها، به اعضای هیات علمی واگذار شود، اعضای هیات علمی هر‌کسی را انتخاب کنند، همه باید مدیریت فرد منتخب را بپذیرند. این ابتدا چه ممکن است دارای گرایش سیاسی متفاوت از وزیر باشد. در اینجا چگونگی مدیریت مهم است نه شخصی که باید مدیریت کند. باید بازسازی و تمرین مودراسی در دانشگاه‌ها آغاز شود. خرد جمعی جایگزین سیاست‌های غیرعلمی شود. فرآیند ارتقای استادان مبتنی بر معیارها و شایستگی‌های علمی باشد، نظارت دکنکر، اصلاح و پذیرش دانشجوین دکنکر با استنداردهای علمی توسط گروه‌های آموزشی هر دانشگاه انجام شود. تمرکززدایی از دانشگاه‌ها ضروری است. وزارت علوم باید نقش دکنکرزدایی از دانشگاه‌های کلان دانشگاهی را وظیفه آن نظارت و صیانت از استقلال و آزادی‌های دانشگاهی باشد. هیچ وزارت‌تخلفه یا نهادهی نباید حق تصمیم‌گیری درخصوص جذب هیات علمی داشته باشد. هر‌کسی شرایط علمی لازم برای استاد شدن را داشته باشد، حق شهروندی اوست که امکان دستیابی به این فرصت شغلی را داشته باشد. دستیابی به فرصت‌های آموزش عالی حق شهروندی هر ایرانی است. توزیع سهمیه‌بندی و تفکیک جنسیتی با عدالت و عقلانیت دانشگاهی ناسازگار است. لایوایت دوم باید معطوف به ارتقای جایگاه دانشگاه در نظام جهانی باشد. فضای بسته دانشگاه‌ها و نگاه غیرعلمی به حوزه‌های دانشگاهی مانع تبادل دانش علمی با مل‌های دیگر می‌شود. دانش علمی محصول تلاش زحمند کشیده است. دانش را گفت‌وگو و بحث انتقادی متقابل است. باید شرایط لازم برای تعامل با دانشگاه‌های معتبر جهان فراهم شود. به‌طوری که استادان دانشگاه‌های کشورهای دیگر برای فرصت مطالعاتی به ایران بیایند و تبادل دانشجو و استاد انجام شود. لایوایت سوم باید معطوف به ارتقای کیفی دانشگاه‌ها باشد. تا آنجایی که من اطلاع دارم دکنکر منفرد سابقه مدیریتش در حوزه‌های اصلی وزارت علوم دارد. از امور دانشجوینی گرفته تا حوزه علم و فناوری، با توجه به سابقه علمی و شناخت عالمانه ایشان شاید بتوان گفت دکنر میلی منفرد یکی از موفق‌ترین افراد علمی و اجرایی است که می‌تواند حوزه علم و فناوری کشور را راهبری کند. دکنر میلی منفرد در زمان جنگ نیز زحمات زیادی برای ترویج بنیه علمی و آموزش عالی داشت. دکنر منفرد زحمند کشیده است. وزارت علوم یک نهاد علمی است. در شرایط موجود انتخاب دکنر منفرد برای این وزارت‌تخلفه مناسب است چون او یک فرد علمی است تا سیاسی. او ویژگی‌های یک مدیر خوب و معتدل در عین حال دلسوز را با هم دارد و می‌تواند مشکلات اساسی حوزه آموزش عالی را حل کند. البته لایوایت‌های وزیر جدید باید با توسعه دانش علمی همراه باشد. دستیابی به این لایوایت‌ها نیازمند به‌رسمیت‌شناختن عقلانیت‌های منکثر در انتخاب معاونان کارآمد و مشاوران با تجربه است. معتمدرویکدر انتقادی در باب مسایل اجتماعی- سیاسی به‌اجتناب از طعنه‌ای بزرگ و چارنابدیشی در باب سیاست‌های اجرایی برای حکمرانی خوب و حل مسایل منجر خواهد شد.

است. اگر برخی از هنرمندان ما بنا به دلایلی دوست داشته‌اند که در خارج از ایران نیز فقط برای هموطنانمان برنامه اجرا کنند به دلیل این نیست که موسیقی ما در بین غیرایرانی‌ها مخاطب ندارد. فقط کافی است که تبلیغات به‌طرفی دیگر متوجه شود و به کیفیت برنامه‌ها بیشتر توجه شود. فکر می‌کنم که این خواست شخصی این عزیزان است و ربطی به موقعیت موسیقی ایرانی در خارج از ایران ندارد. اما طبیعی است که کار در این زمینه به صبر و سختکوشی بیشتری نیاز دارد که سود آن بیشتر معنوی و درازمدت خواهد بود. سوم این‌که، اگر به‌اجرای موسیقی بی‌کلام (سازی) که طبیعی‌ای، برای ارتباط‌گرفتن با شنندگان غیرایرانی، زبان قابل درک‌تری است تجربه بیشتری کنیم، نتایج متفاوتی خواهیم گرفت که بنا به توجه شخصی بنده می‌تواند ارتباط با جهان را (به نقل قول از شما) از زاویه دیگری ممکن سازد.

■ شما در جایی گفته‌اید که هنرمند باید چند وجهی باشد. کمی بیشتر در این باره توضیح می‌دهید؟
به دلایل مختلفی که قبلاً ذکر کردم، شاید بتوان گفت که در دنیای امروز نت‌ها نقش هنرمند یا موسیقیدان‌ها را جبران‌کنندگی نیست؛ بلکه نحوه زندگی هنرمند هم بسیار تغییر کرده پس مسلماً ارتباط و آگاهی از بقیه زمینه‌ها هم در دید هنری یک هنرمند هم در نحوه جهان‌بینی او اثر خواهد داشت. در قدیم و در صورت سنتی هم این آگاهی و ارتباط باب بوده ولی خوب با درنظرگرفتن شیوه رایج کار آگاهی یک محدودتر بود و دراز، مثل رابطه خطاط و آوازخوان یا شعر و شاعر یا رابطه منبت‌کار با خاتم‌کار یا مینیاتوریست با تذهیب‌کار یا مرق‌کار. فقط اینکه در دنیای امروز شکل دیگری پیدا کرده و علوم و هنرهای دیگری از خاصی نیست که بتوانیم با ظاهرو بارقه‌هایی از علم و روشنفکری که آگاهی از آنان مانند تمام زوایای دیگر زندگی مدرن احتمالاً وقت و تحقیق بیشتری می‌طلبد. هنرمند امروز به سفر می‌رود تا محصول خود را با خود انتشار دهد و محل کارش دیگر فقط خانه‌اش نیست تا همه نزد او بیرون و هنرش را بچونند. هنرمند مدرن متعاس‌ست که از خانه بیرون آمده و همه‌جا خانه اوست و این گستره با فرآورده‌های صوتی، سی‌دی، دی‌وی، اینترنت و... بسیار بزرگ‌تر از گذشته شده و پوشش، پرکردن و ارتباط با مخاطبانش به همان اندازه گسترده‌تر شده و اما نه لزوماً ساده‌تر. ولی مسلماً ساده‌تر، مفیدتر کردن این ارتباط یا نشسر، به کار و آگاهی بیشتر نیاز دارد. آگاهی یک نویسنده، با نقاش یا موسیقیدان از تاریخ هنر، شعر، نقاشی، عکاسی، سینما، تئاتر، احتمالاً زبان‌های دیگر و... طبعی‌تاً اق‌های بیشتری را به‌روی او باز خواهد کرد و به‌طور حتم، روی کارش تأثیر خواهد داشت. همان‌طور که سنت نیز یویاست و مدما قابل تغییر، علوم سنتی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. طبعی‌تاً هرچه گستره فعالیت‌ها دیده، با زمان، بیشتر می‌شود به آگاهی، دانش و ارتباط بیشتر احتیاج‌ست. به

■ این روزها می‌بینیم گروه‌هایی که برای اجرا به خارج از ایران می‌روند، بیشتر در قالب گروه‌های بزرگ برنامه اجرا می‌کنند، این در حالی است که شما عمدتاً اجراهای تک‌نوازی و دو نوازی در خارج از ایران دارید. چرا نسل جوان موسیقی ایران، کمتر به مفوله تک‌نوازی می‌پردازد؟
به باور بنده مهم‌ترین و بارزترین مشخصه موسیقی شرق، به‌ویژه موسیقی ایرانی به جهانیتان داشته است. تلاش‌های این موسیقیدان برای نزدیک کردن ملت‌ها از طریق موسیقی، خصوصاً همکاری او با شجاعت حسین خان نوازنده ستار هندی همواره با تمجید هنردوستان همراه است. کلهر با اینکه طی سال‌های اخیر با سوال‌های سیاسی زیادی روبه‌رو شده اما همواره بر این نکته تأکید دارد که یک سفیر فرهنگی است نه یک سیاستمدار. آثار کلهر اغلب با باده‌نوازی همراه است؛ مهارتی که در سنت موسیقی ایرانی سابقه‌ای دیرینه دارد. باده‌نوازان کار خود را بر پایه مجموعه‌ای از ملودی‌ها و موتیف‌ها که «ردیف» خوانده می‌شوند، قرار می‌دهند. یووانین شوابتیز، تحلیلگر روزنامه نیویورک تایمز در مورد او می‌گوید: «آثار کلهر اغلب با باده‌نوازی همراه است؛ مهارتی که در سنت موسیقی کلاسیک فارسی سابقه‌ای دیرینه دارد. باده‌نوازان کار خود را بر پایه مجموعه‌ای از ملودی‌ها و موتیف‌ها که «ردیف» خوانده می‌شوند، قرار می‌دهند. موسیقیدانان کلاسیک غربی به ندرت در کارهایشان باده‌نوازی کرده‌اند.» او متولد ۱۳۲۲ شمسی است. کار موسیقی را از پنج‌سالگی به صورت آزاد شروع کرد. ۱۲ساله بود که به صورت حرفه‌ای

در زمینه‌های دیگری به موسیقی کمک کنند و ابعاد دیگری از این صنعت را پوشش دهند. زمینه‌هایی مانند آموزش، خصوصاً آموزش به کودکان که ما در این زمینه بسیار فقیریم، برنامه‌ریزی، صابرداری، مدیریت گروه‌ها یا کسترهای فرگ، سازسازی، صابرداری، تبلیغات، پخش، نقد، نوسنگی در مورد موسیقی، مدیریت تولید و... و بسیاری از رشته‌های دیگر که در حال حاضر در به یاد آوردنشان حضور ذهن ندارم. نتیجتاً ضمن اینکه مرحله گذر و جدایی از حامیان سنتی حدود ۹۰ سال پیش در کشورمان آغاز شده، که حدوداً صد تا ۱۵۰سال از غرب دیرتر بوده، نارسایی‌ها و بی‌برنامگی‌هایی از این دست نیز در کنبدیون رشد این صنعت مؤثرند که اگر ععد و مشکل‌تراشی‌های دست‌اندرکاران فرهنگ کشور، که متأسفانه تعدادی از این دوستان نیز از هم‌نظامان سابقمان بوده‌اند، را نیز به آن اضافه کنید، می‌توان به یک جمع‌بندی کلی ولی سطحی رسید.

■ اگر بخواهیم محدودیت‌هایی را که برای موسیقی در ایران هست کنار بگذاریم، چه عوامل دیگری وجود دارد که سبب شده موسیقی ما هنوز نتواند در سطح دنیا جایگاه مطلوبی پیدا کند؟

از نظر من این دو عامل در کشور ما با هم بی‌ارتباطند. مگر اینکه تلقی مان این باشد که قرار بر این است قدمی برای انتشار موسیقی با اصول فرهنگ از طریق سازمان‌های دولتی، برداشته شود. یک، اینکه در ایران به‌جز حساسیت‌هایی که می‌توانند به مورد شعر و کلام وارد در محدودیت خاصی برای موسیقی و اجرا وجود ندارد. سختی و کارشکنی مثل عدم‌صور مجوز، تأخیر در صدور مجوزها و... هست که آن هم عرض کردم بیشتر به‌دلیل اتوسیل‌سازی در ایران را که حق صنعت بین‌المللی است در نظر بگیریم با هیچ نمونه دیگری قابل مقایسه نیست. در کشورهای دیگر به عنوان مثال تولیدکنندگان با تلاش و بالابردن سطح و کیفیت کارشان به تبلیغ و بازاریابی و فروش می‌پردازند ولی در ایران به دلیل عدم قایت، تولیدات با کیفیت بسیار نازل از یک سال قبل پیش‌پرش می‌شوند که تمام مشاغل و افراد دیگری که می‌توانند در این زمینه مفید باشند در این چرخه حذف می‌شوند. عدم وجود این رابطه سالم و لازم، باعث تولید نارسایی می‌شود که نه برای فروشنده مفید است و نه خریدار، مثل به‌وجودآمدن واسطه‌ها که این چرخه را تا حد بی‌پایایی می‌توانند ادامه دهند و به نحوی که خود بخواهند هدایت کنند. در زمینه موسیقی نیز غیر از این نیست. اما اینکه به دلیل رشد میزان علاقه‌مندی به موسیقی در بیست‌وچند سال اخیر، امروز هزاران نفر که همگی لزوماً واجد شرایط نیستند به زمینه اجرا روی آورده‌اند و تعداد زیادی نیز ناراضی و گله‌مند از عدم موفقیت. در چنین مواقعی نفر اول این مجموعه نیز درک درستی از جایگاه خود ندارد و شاید بتوان گفت که کار خود را در سطحی انجام می‌دهد که سطح قابل‌قبولی برای دیگر مجریان یا مخاطبان این صنعت نیست. همان‌طور که کیفیت که قبلاً عرض کردم، از طرف دیگر دارند دوست دارند مجری موسیقی و فرد روی صحنه باشند؛ در صورتی که بسیاری از این افراد شرایط و کیفیت لازم برای فعالیت در این زمینه خاص را ندارند ولی می‌توانند و باید



ادیب رستمی

ما همواره شاهد همکاری شما با نوازندگان مطرحی چون یو یو ما، شجاعت حسین خان و کوارتت پروکلین رایدر بودیم. چه نیازی برای این نوع همکاری در خود حس کرده‌اید؟

می‌شود این مساله را از چند جهت بررسی کرد:اول اینکه در زمان‌های که ما زندگی می‌کنیم و به دلایل فراوان که در حوصله صحبت ما نیست، نیاز تبادل اطلاعات و آگاهی، بسیار بیشتر از گذشته حس می‌شود. تکنولوژی به طریز عجیب پیشرفت کرده و دنیا نیز به همین دلیل به منطقه کوچکی تبدیل شده که ساکنان آن باید به طرز سریع و عجیبی از مطالبی که شاید تا چند سال قبل به آن دسترسی و شاید علاقه نداشتند، آگاه شوند. گرچه بیشتر این تبادل در سطح است؛ ولی گاه نیز به دلیل علاقه فراوان افراد، به زمینه‌ای تبدیل می‌شود که فراتر از سطح خواهد بود. نیاز به آشنایی با دیگر فرهنگ‌ها هم که‌نیازی قدیمی و همیشگی بوده از سطح نیازهای اقتصادی و سیاسی فراتر رفته و در واقع با مطرح‌شدن عقاید فلسفی روشنفکرانه چهره این ارتباط تا حد فراوانی متغیر شده. گویا همگی از این آگاهی پیدا کرده‌ایم که نادانی یا عدم اطلاع، ریشه مسایل و سوء تفاهم‌های همه ما در جهان امروز است و دلیل بسیاری از مشکلات ناخوستمان و اینکه آگاهی و دانستن راجع به یکدیگر باید از سطح فرهنگی شروع شود. به باور بنده این متن نتیجه زندگی در قرن بیست‌ویکم خواهد بود و تنها راهی که بتوان از اختلافات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی که متأسفانه در طول تاریخ منجر به بروز جنگ‌های مختلف هم شده‌اند، اجتناب کرد و خلاصه اینکه مبادله فرهنگی در این موقعیت، سالم‌ترین و آگاه‌کننده‌ترین نوع مبادله است. در وجه هنری این مساله هم باید عرض کنم که هنر به عنوان مهم‌ترین شاخه علوم اجتماعی از این قاعده مستثنا نیست. مدتی است که این تبادل از سطح فرهنگی آن شروع شده که بسیار لازم هم به نظر می‌رسد. همان‌طور که فرمودید این مساله هم به عنوان یکی از دفعه‌های بنده در زمینه کاری ام مطرح بود.

■ امروزه شاهدیم که موسیقی در دنیا به عنوان یک «صنعت» شناخته می‌شود، در حالی که در ایران شاید خیلی از هنرمندان این موضوع را باور نداشته باشند. به نظر شما این تفکر از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

کلاما درست است. در دنیای غرب ایسن پدیده مدت مدیدی است که به وقوع پیوسته و روزبروز پیچیده‌تر می‌شود، که سرعت آن بیشتر و به دلایل مختلف، از جمله جایگاه موسیقی و کلا هنر در اجتماع بوده. این وضعیت طبعی‌تاً یک‌شبه و به‌وجود نیامده و به‌طور سیستماتیک در طی قرن‌ها به اینجا رسیده. از زمانی که موسیقیدان‌ها از کلیساها و حامیان خصوصی جدا می‌شوند تاکنون. در غرب نیز دوران گذر از این مرحله حدود صد سال طول کشید و بعد به رشد ادامه داد تا امروز که به قول شما به یک صنعت تبدیل شده که البته تنها کارکنان و سودبرندگانش موسیقیدان‌ها یا آهنگسازان نیستند. اصولاً در هر صنعتی تیم‌های مختلف در تمام زمینه‌ها وجود دارند که به‌طور هم‌وزن مسوول پیشرفت و ضرعه‌شدن این صنعت هستند مثلاً در ضبط یک آلبوم و انتشار آن در بازار تا مرحله‌ای که به دست شنونده برسد صدها نفر فعالیت دارند که هر کس کار خود را در زمینه تخصصش انجام می‌دهد و بنا به همان نسبت، کار موفق خواهد بود یا برعکس. اگر شما بر فرض آهنگساز خوبی باشید ولی تیم بسیار خوبی، از اجراکننده موسیقی، نوازنده یا خواننده، صابرداری، استودیو، تهیه‌کننده، عوامل انتشار، تبلیغات، صحیح، پخش‌کننده و در آخر فروشنده را در نظر بگیرید؛ با عنوان همکار نداشته باشید، کار تا آن موفق نخواهد بود یا حداقل به دست شنونده علاقه‌مند نخواهد رسید. در زمینه اجرا، مثلاً در کنسرت، این عوامل کلاما متفاوتند و موفقیت یک اجرا به کار مستمر آنان بستگی دارد. می‌بینید که نوازنده یا آهنگساز فقط جزء کوچکی از آن چرخه است و خوب‌بودن او همیشه به موفقیت‌های یک منجر نمی‌شود. تمام این‌ها را عرض کردم که بررسم به یک مقایسه سطحی در مورد صنعتی شدن موسیقی در ایران. در کشور ما از آنجا که هیچ چیزی مخصوصاً قواعد مدرن صنعت در هیچ زمینه‌ای به درستی و با پایه متمرکز نشده‌اند، شرایط کاملاً متفاوت است. مثلاً اگر صنعت اتوسیل‌سازی در ایران را که حق صنعت بین‌المللی است در نظر بگیریم با هیچ نمونه دیگری قابل مقایسه نیست. در کشورهای دیگر به عنوان مثال تولیدکنندگان با تلاش و بالابردن سطح و کیفیت کارشان به تبلیغ و بازاریابی و فروش می‌پردازند ولی در ایران به دلیل عدم قایت، تولیدات با کیفیت بسیار نازل از یک سال قبل پیش‌پرش می‌شوند که تمام مشاغل و افراد دیگری که می‌توانند در این زمینه مفید باشند در این چرخه حذف می‌شوند. عدم وجود این رابطه سالم و لازم، باعث تولید نارسایی می‌شود که نه برای فروشنده مفید است و نه خریدار، مثل به‌وجودآمدن واسطه‌ها که این چرخه را تا حد بی‌پایایی می‌توانند ادامه دهند و به نحوی که خود بخواهند هدایت کنند. در زمینه موسیقی نیز غیر از این نیست. اما اینکه به دلیل رشد میزان علاقه‌مندی به موسیقی در بیست‌وچند سال اخیر، امروز هزاران نفر که همگی لزوماً واجد شرایط نیستند به زمینه اجرا روی آورده‌اند و تعداد زیادی نیز ناراضی و گله‌مند از عدم موفقیت. در چنین مواقعی نفر اول این مجموعه نیز درک درستی از جایگاه خود ندارد و شاید بتوان گفت که کار خود را در سطحی انجام می‌دهد که سطح قابل‌قبولی برای دیگر مجریان یا مخاطبان این صنعت نیست. همان‌طور که کیفیت که قبلاً عرض کردم، از طرف دیگر دارند دوست دارند مجری موسیقی و فرد روی صحنه باشند؛ در صورتی که بسیاری از این افراد شرایط و کیفیت لازم برای فعالیت در این زمینه خاص را ندارند ولی می‌توانند و باید